

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۱۳

فصل ۲: ۱۴ - ۳۰

آیه حفظی برای ۱۸ ماه آپریل سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، دانیال ۲: ۲۱

۲۱ و او وقتها و زمانها را تبدیل می‌کند. پادشاهان را معزول می‌نماید و پادشاهان را نصب می‌کند. حکمت را به حکیمان می‌بخشد و فطانت پیشه‌گان را تعلیم می‌دهد.

آیه حفظی برای ۲۵ ماه آپریل سال ۲۰۲۴

انجیل مقدس، ۱ پطرس ۵: ۶

۶ پس زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمایید، و فصل ۲: ۱۴ - ۳۰ را

بخوانید.

۱۴ آنگاه دانیال با حکمت و عقل به آریوک رئیس جلادان پادشاه که برای کشتن حکیمان بابل

بیرون می‌رفت، سخن گفت.

۱۵ و آریوک سردار پادشاه را خطاب کرده، گفت: «چرا فرمان از حضور پادشاه چنین سخت

است؟» آنگاه آریوک دانیال را از کیفیت امر مطلع ساخت.

۱۶ و دانیال داخل شده، از پادشاه درخواست نمود که مهلت به وی داده شود تا تعبیر را برای

پادشاه اعلام نماید.

۱۷ پس دانیال به خانه خود رفته، رفقای خویش حَنَنیا و میشائیل و عَزَرِیا را از این امر اطلاع داد،

۱۸ تا درباره این راز از خدای آسمانها رحمت بطلبند مبادا که دانیال و رفقاییش با سایر حکیمان بابل

هلاک شوند.

- ۱۹ آنگاه آن راز به دانیال در رویای شب کشف شد. پس دانیال خدای آسمانها را متبارک خواند.
- ۲۰ و دانیال متکلم شده، گفت: «اسم خدا تا ابدلاباد متبارک باد زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است.
- ۲۱ و او وقتها و زمانها را تبدیل می‌کند. پادشاهان را معزول می‌نماید و پادشاهان را نصب می‌کند. حکمت را به حکیمان می‌بخشد و فطانت پیشه‌گان را تعلیم می‌دهد.
- ۲۲ اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می‌نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می‌باشد و نور نزد وی ساکن است.
- ۲۳ ای خدای پدران من تو را شکر می‌گویم و تسبیح می‌خوانم زیرا که حکمت و توانایی را به من عطا فرمودی و الان آنچه را که از تو درخواست کرده‌ایم، به من اعلام نمودی، چونکه ما را از مقصود پادشاه اطلاع دادی.»
- ۲۴ و از این جهت دانیال نزد آریوک که پادشاه او را به جهت هلاک ساختن حکمای بابل مأمور کرده بود رفت، و به وی رسیده، چنین گفت که «حکمای بابل را هلاک مساز. مرا به حضور پادشاه ببر و تعبیر را برای پادشاه بیان خواهم نمود.»
- ۲۵ آنگاه آریوک دانیال را بزودی به حضور پادشاه رسانید و وی را چنین گفت که «شخصی را از اسیران یهودا یافته‌ام که تعبیر را برای پادشاه بیان تواند نمود.»
- ۲۶ پادشاه دانیال را که به بَلْطَشَصَّر مسمی بود خطاب کرده، گفت: «آیا تو می‌توانی خوابی را که دیده‌ام و تعبیرش را برای من بیان نمایی؟»
- ۲۷ دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت: «رازی را که پادشاه می‌طلبید، نه حکیمان و نه جادوگران و نه مجوسیان و نه منجمان می‌توانند آن را برای پادشاه حل کنند.
- ۲۸ لیکن خدایی در آسمان هست که کاشف اسرار می‌باشد و او نَبُوکْدَنْصَر پادشاه را از آنچه در ایام آخر واقع خواهد شد اعلام نموده است. خواب تو و رویای سرت که در بستر دیده‌ای این است:
- ۲۹ ای پادشاه فکرهای تو بر بستر دربارہ آنچه بعد از این واقع خواهد شد به خاطر آمد و کاشف الاسرار، تو را از آنچه واقع خواهد شد مخبر ساخته است.

۳۰ و اما این راز بر من از حکمتی که من بیشتر از سایر زندگان دارم مکتشف نشده است، بلکه تا

تعبیر بر پادشاه معلوم شود و فکرهای خاطر خود را بدانی.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه و مرور: فصل دوم کتاب دانیال نبی در مورد ظهور و سقوط امپراطوری های بزرگ جهان به ما تعلیم می دهد. یک فصل دقیق نبوتی است یعنی آینده را از زمان دانیال به دقت پیشگویی می کند با کاربردهای فراوان برای ما در زمان حال. در کتاب دانیال می توانیم تمام تاریخ بشر را تا برقراری پادشاهی عیسی مسیح بر جهان بخوانیم.

فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیه اول را می شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیه ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می بیند که جزئیاتش را فراموش می کند. می شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می بینیم.

نبوکد نصر برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش چالشی سخت در مقابلشان می گذارد. نبوکد نصر می گوید: هم باید خواب را به من بگویند و هم تعبیرش را. و گرنه می فهمم که می خواهید به من دروغ بگویند و همه تان را می کشم.

دیدیم که حکیمان دربار نبوکد نصر مجبور می شوند که به عجز خود در انجام فرمان نبوکدنصر اعتراف کنند و بگویند که فقط یک موجود ماوراء طبیعی می تواند جزئیات یک خواب فراموش شده کس دیگری را بیان کند و تعبیر درستش را هم بگویند. و این اعتراف به عجز حکیمان دربار، صحنه را برای آمدن دانیال دقیقاً بر طبق نقشه خدا آماده می سازد. نبوکد نصر فرمان کشتن تمامی حکیمان دربارش را صادر می کند.

یک سری صفات شخصیت هستند که یک فرد را در دورانهای بحرانی برای خدا مفید می سازند. بگذارید ببینیم دانیال چگونه با این بحران روبرو می شود.

اول- با یک روحیه آرام. آیه ۱۴: **آنگاه دانیال با حکمت و عقل به آریوک رئیس جلادان پادشاه که**

برای کشتن حکیمان بابل بیرون می رفت، سخن گفت.

در این آیه می توان دید که دانیال آرام و خویشتندار است چون می دانست آینده اش در تحت اراده مطلق خداست.

دوم- با یک سؤال حکیمانه. آیه ۱۵: و آریوک سردار پادشاه را خطاب کرده، گفت: «چرا فرمان از حضور پادشاه چنین سخت است؟» آنگاه آریوک دانیال را از کیفیت امر مطلع ساخت.

ببینید، دانیال این توانایی را داشت که در وسط بحران دیگران را آرام کند. اول خودمان باید از پدر آسمانی آرامش بگیریم با اعتماد کردن کامل بر او و کلامش. و بعد این آرامش را در زمان بحرانها به دیگران منتقل کنیم.

سوم- با شجاعت. آیه ۱۶: و دانیال داخل شده، از پادشاه درخواست نمود که مهلت به وی داده شود تا تعبیر را برای پادشاه اعلام نماید.

اریوک ریس جلادان بجای کشتن دانیال، ترتیبی می دهد که دانیال به حضور پادشاه بیاید. مسلماً این درخواست دانیال بود. و دانیال با شجاعت از پادشاه خشمگین درخواست می کند که به او وقت دهد تا خواب پادشاه و تعبیر آنرا به پادشاه بگوید.

چهارم- با دعا: دانیال با دعا با این بحران روبرو می شود، ایات ۱۷ تا آخر قسمت اول آیه ۱۹: ۱۷ پس دانیال به خانه خود رفته، رفقای خویش حَنَنیا و میشائیل و عَزَرِیا را از این امر اطلاع داد، ۱۸ تا درباره این راز از خدای آسمانها رحمت بطلبند مبادا که دانیال و رفقاییش با سایر حکیمان بابل هلاک شوند. ۱۹ آنگاه آن راز به دانیال در رویای شب کشف شد.

دانیال بر می گردد به خانه اش و سه دوستش را از آنچه رخ داده آگاه می سازد و از آنها درخواست می کند که در دعا با او متحد شوند و رحمت خدا را بطلبند تا این راز را بر دانیال آشکار کند.

پنجم- دانیال با پرستش خدای زنده با این بحران روبرو شد، ایات ۱۹ قسمت دوم- ۲۳.

مطالعه امروز: ششم- دانیال با رحمت با این بحران روبرو می شود، آیات ۲۴-۲۶.

۲۴ و از این جهت دانیال نزد آریوک که پادشاه او را به جهت هلاک ساختن حکمای بابل مأمور کرده بود رفت، و به وی رسیده، چنین گفت که «حکمای بابل را هلاک مساز. مرا به حضور پادشاه ببر و تعبیر را برای پادشاه بیان خواهم نمود.»

دانیال فوراً می رود و اریوک ریس جلادان را پیدا می کند تا جلوی اجرای حکم قتل سایر حکیمان بابل را بگیرد. جالب است که اینجا دانیال یک اسیر یهودی فرمان پادشاه را می خواهد لغو بکند. و

مطمئناً انگیزه اش رحمت می بود. دانیال می دانست که آن حکیمان دربار در بت پرستی خودشان گم شده اند و دارند با سر بطرف جهنم می روند. دانیال نمی خواست آنها بمیرند. در حالیکه بعداً می بینیم چقدر همین حکیمان دربار بابل به دانیال حسادت می کنند و قصد کشتن او را داشتند. ولی دانیال بر آنها رحمت داشت.

۲۵ آنگاه آریوک دانیال را بزودی به حضور پادشاه رسانید و وی را چنین گفت که «شخصی را از

اسیران یهودا یافته‌ام که تعبیر را برای پادشاه بیان تواند نمود.»

دقت کنید آریوک به پادشاه می گوید: من شخصی از اسیران یهودا یافته‌ام که می تواند خواب و تعبیر را بگوید. در حالیکه دانیال بود که می رود بدنبال آریوک. ولی آریوک، به عنوان خادم پادشاه، می خواست پیدا کردن کسی که می تواند درخواست پادشاه را بجا آورد را بخودش نسبت دهد.

۲۶ پادشاه دانیال را که به بَلْطَشَصَّر مسمی بود خطاب کرده، گفت: «آیا تو می‌توانی خوابی را که

دیده‌ام و تعبیرش را برای من بیان نمایی؟»

و پادشاه مستقیماً از دانیال می پرسد که آیا می تواند خواب و تعبیر آنرا بیان کند؟ چون اگر نمی توانست همانجا می کشتش.

هفتم- و سپس ما فروتنی دانیال را می بینیم در ایات ۲۷- ۳۰،

دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت: «رازی را که پادشاه می‌طلبد، نه حکیمان و نه جادوگران و

نه مجوسیان و نه منجمان می‌توانند آن را برای پادشاه حل کنند.

۲۸ لیکن خدایی در آسمان هست که کاشف اسرار می‌باشد و او نَبُوکَدْنَصَّر پادشاه را از آنچه در ایام

آخر واقع خواهد شد اعلام نموده است.

دانیال جلال را به خدا می دهد نه بخودش. علی رغم تمامی عطایای روحانی اش، و توانایی هایش، و دانش و پختگی روحانی اش، دانیال فروتن باقی می ماند و اعلام می کند که: این من نیستم که می تواند درخواست پادشاه را بجا آورد، بلکه این خداست که نقشه خودش را برای آینده جهان به پادشاه اعلام نموده و مرا نیز از آن آگاه کرده است. اگر می خواهید خداوند عیسی مسیح را خدمت کنید باید پر از رحمت و فروتنی باشید.